

## داستانک‌هایی از شرکت فامیلی

محور قرار دادن يك خانواده در مجموعه‌اي تلویزیوني، از جمله فرمول‌هاي امتحان پس داده براي جذب مخاطبان به حساب مي‌آيد که مجموعه تلویزیوني «میلیارد» ساخته علیرضا امینی هم بر این اساس شکل گرفته است.



درباره سریال میلیاردر

### داستانک‌هایی از شرکت فامیلی

جام جم آنلاین: محور قرار دادن يك خانواده در مجموعه‌اي تلویزیوني، از جمله فرمول‌هاي امتحان پس داده براي جذب مخاطبان به حساب مي‌آيد که مجموعه تلویزیوني «میلیارد» ساخته علیرضا امینی هم بر این اساس شکل گرفته است.

تاسیس شرکتي خانوادگي که براساس روابط فاميلي اداره مي‌شود هم ایده‌اي قديمي و در عين حال قابل تامل است که نمونه‌هاي خوب و بد بسياري بر مبناي آن تا امروز شکل گرفته است که میلیاردر از نمونه‌هاي خوبش به حساب مي‌آيد.

در این مجموعه که رگه‌هاي پررنگي از کمدی کلامي بر آن سایه افکنده، شرکت ساختماني بزرگي را مي‌بينيم که در آن روابط فاميلي حاکم است و بي‌نظمي به اوج خود رسیده و هرکس به فکر سرکيسه‌کردن ربيس آن - فرجام- است.

اميني و سعدونديان در طراحي فيلمنامه و شخصيت‌ها تا حدودي از رئال بودن فاصله گرفته و رگه‌هايي از فانترزي به آن تزريق کرده‌اند که این مساله در برخي شخصيت‌ها مانند بهمن، بهادر سير و خسرو بيشتري از بقيه است.

در دو، سه قسمت نخست، ضعف‌هايي در رودرويي با شخصيت‌ها و پيشرفت قصه به چشم مي‌خورد که براي مجموعه‌اي 25 قسمتي بسيار خطرناک به نظر مي‌رسيد.

اميني براي خلق شخصيت‌هاي اصلي‌اش با پيروی از مولفه‌هاي سينماي کمدی، شخصيت‌هايي تک‌بعدي و بعضا کاریکاتورگونه خلق کرده که گاه همچون بهمن فرجام خوب از کار درآمده و گاه مانند آذر، شيرين و تيرداد سطحي و پيش پا افتاده شده است.

فرجام به عنوان مرکز ثقل فيلمنامه مرد ثروتمند تنهائي است که حتي در خانواده‌اش هم احساس آرامش نکرده و بيشتري به يك عابربانک شبيه است تا پدري دلسوز و مهربان! این وجه از فرجام بخوبي پرداخت شده و ايراد چندانى به آن وارد نيست؛ اما در مقام مدير يك شرکت بزرگ تجاري با کارمندان متعدد، آنچه‌ان که بايد از آب درنيامده و براي مخاطب باورپذير جلوه نمي‌کند.

با این حال شکل رابطه او با همسرش - سيمين - که به همه چيز و همه کس از بالا نگاه مي‌کند، سر و شکل خوبي دارد و متقاعدکننده به نظر مي‌رسد. داستانک‌هاي طراحي شده براي شخصيت‌هاي کار کم بوده و براي مجموعه‌اي بيست و چند قسمتي کافي نيست.

در این ميان، علاقه کودکانه بهمن به يکي از کارمندان زن شرکت با توجه به شخصيت کودک مانده بهمن، بهتر از ديگر داستانک‌ها از کار درآمده و مخاطب را به خنده وامی‌دارد.

در حقيقت، بهمن رگه‌هايي از جنون کمدی را با خود دارد و هماهنگ با لحن کلي حاکم بر داستان است. در نقطه مقابل، آذر و منصور قرار دارند که بشدت از کليشه‌هاي رايج بهره گرفته و نوآوری چندانى در خلق آنان به چشم نمي‌خورد بخصوص آذر که کليشه دختر دلسوز پدر را تمام و کمال اجرا کرده و براي مخاطب کاملا آشنا و در عين حال تکراري به نظر مي‌رسد.

بهادر سير به عنوان ديگر شخصيت مرکزي کار، تلفيقي از کليشه‌هاي قديمي و نوآوری است که بخوبي با هم ترکيب شده و به نتيجه مناسبی رسیده است.

جوان باسواد و تحصيلکرده‌اي که کمي دست و پا چلفتي به نظر مي‌رسد و در ارتباط با ديگران مشکلاتي دارد. براي نمونه مي‌توان به ارتباط او با نامزدش -رها- اشاره کرد که سرشار از تناقض‌هايي است که بعضا واقعي به نظر مي‌رسند.

بهادر با آن که شوخی‌های بسیاری را شکل می‌دهد، اما خود آغازکننده شوخی نبوده بلکه اغلب شوخی‌ها روی او واقع می‌شود ولی سیر - پدر بهادر - یکی از جذاب‌ترین شخصیت‌های میلیاردرد است که لحظات دلنشینی را خلق کرده و شریک خوبی برای بهادر در ایجاد لحظات کمیک در طول کار بوده است.

نویسندگان فیلمنامه این مجموعه از ولی به عنوان ایجادکننده نقطه عطف اصلی فیلمنامه (آشنایی قدیمی ولی با فرجام و قضایای رخ داده بین این دو) به بهترین شکل بهره گرفته و کار را از یکنواختی نجات داده‌اند.

مجموعه‌های تلویزیونی از جنس میلیاردرد با شخصیت‌های متعدد به بازیگرانی از طیف‌های مختلف نیاز دارند که به وجود آوردن هماهنگی میان آنها می‌تواند موفقیت آن را تضمین کند اما در میلیاردرد این اتفاق نصفه و نیمه رخ داده است و شاهد بازی‌های یکدستی در طول کار نیستیم.

محمد رضا شریفی‌نیا در نقش فرجام همان بازی همیشگی‌اش را ارائه کرده با این تفاوت که شیرینی آنها را ندارد و رگه‌های تلخی آن بیش از اندازه به نظر می‌رسد.

انتخاب سامان گوران بدون پیشینه روشنی در بازیگری برای نقش بهادر، خطر بزرگی بوده که آنچنان که باید به نتیجه نرسیده است.

گوران بیش از اندازه روی میمیک چهره تمرکز کرده و به همین علت بازی‌اش در بسیاری از پلان‌ها اغراق شده و غلوآمیز جلوه می‌کند.

مجید مظفری هم پس از مدتی کم‌کاری جلوی دوربین، بازی گرم و دلنشینی در نقش ولی ارائه کرده و با درک درستی که از نقش داشته، باورپذیری‌اش را به حداکثر رسانده است.

در عین حال، شوخی‌های جذابی را در برخورد با اعضای خانواده اش شکل داده و طنز شیرینی را به کاراکتر ولی اضافه کرده است.

زهیر یاری در نقش بهمن یکی از بهترین‌های مجموعه بازیگران میلیاردرد است که حواس‌پرت بودن بهمن را به شکل مطلوبی به تصویر کشیده و لحظات مفرحی را خلق کرده است.

در طرف مقابل، بازیگران زن این مجموعه با توجه به بهره‌گیری بسیار از کلیشه‌ها در خلق شخصیت آنها خوب از کار درنیامده و کلیشه‌هایی به کار رفته در فیلمنامه به بازی آنان هم رخنه کرده است.

برای نمونه می‌توان به عاطفه رضوی در نقش سیمین و سحر ذکریا در نقش آذر فرجام اشاره کرد. (جام جم - ضمیمه قاب کوچک)

محمد جلیوند